

گزینه مهاجرت و نگرانی های مسیحیان خاورمیانه عربی

فرزاد رضائی بونش

مرکز بین المللی مطالعات صلح-ipscc

06-02-2013

واژگان کلیدی: مسیحیان خاورمیانه عربی، مسیحیان قبطی، مسیحیان سوری،
نگاه القاعده به مسیحیان، اقلیت مسیحی خاورمیانه، مهاجرت مسیحیان

بیان رخداد:

هر چند برخی آمارها بیانگر آن است که در یک سده پیش مسیحیان یک پنجم جمعیت ساکنان خاورمیانه را تشکیل می دادند، اما اگر حتی این آمار چندان دقیق هم نباشد خاورمیانه زادگاه دین مسیح بوده و در دو هزار سال گذشته این منطقه دارای جمعیت مسیحی نشین بوده است. چنانچه جدا از مسیحیان قبطی مصر کشورهایی مهم در خاورمیانه عربی همچون فلسطین، لبنان، اردن، عراق و سوریه دارای جمعیت مسیحی بوده و هست. در این حال با وجود آنکه دهه هاست مسیحیان با جمعیتی حدود 12 تا 20 میلیون نفر، بعد از مسلمانان بزرگترین گروه دینی منطقه خاورمیانه بوده آنچه در یک دهه گذشته رخ داده و در دو سال اخیر روندی افزایشی به خود گرفته کاهش بیشتر شمار آنان در منطقه و نگاههای نگران مسیحیان در خاورمیانه عربی به رخدادهای این منطقه بویژه بعد از رخدادهای دو سال گذشته یا انقلابهای بهار عربی بوده است. چنانچه بنا به آمارها گذشته از اینکه در یک دهه گذشته بیشترین میزان خروج مسیحیان از خاورمیانه عربی در عراق رخ داده. (از سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۹۰۰ هزار مسیحی عراقی و یا به عبارتی دو سوم و یا سه چهارم مسیحیان این کشور) خاک این کشور را ترک کرده اند، بعد از تحولات و رخدادهای دو سال گذشته خاورمیانه اکنون تنها نیمی از 60 هزار جمعیت مسیحی لیبی باقی مانده اند. در مصر هم بیش از 100 هزار نفر از جمعیت قبطی مصر مهاجرت کرده و در سوریه نیز که هنوز درگیری ها در آن ادامه دارد بسیاری از جمعیت مسیحی مهاجر یا آواره شده اند. چنانچه اکنون شمار آوارگان مسیحی از شهرهای گوناگون سوریه بیش از صدها هزار نفر شده است و برخی از مناطق از جمعیت مسیحی خالی شده است. در این نوشتار به بررسی علل هراس ها و کوچ مسیحیان خاورمیانه

به سایر بخش های جهان بویژه غرب و آینده این اقلیت عمده مذهبی در خاورمیانه عربی خواهیم پرداخت.

تحلیل رخداد:

هر چند آمارهای دقیقی در مورد شمار و وضعیت کنونی مسیحیان در خاورمیانه عربی با توجه به تحولات پس از انقلابها و دگرگونیهای دو سال گذشته وجود ندارد، اما همچنان مصر پایگاه مسیحیان قبطی بوده و بیش از نیمی از مسیحیان خاورمیانه عربی در مصر و به کلیسای قبطی وابسته اند. در کنار آنان مسیحیان خاورمیانه شامل گروه های ارتودوکس (ارمنی ها، یونانیان، و سوری ها) و گروه های کاتولیک (ارمنی ها، یونانی ها، مارونی ها و سوری ها) و... در کشور های گوناگون عربی تقسیم می شوند. این مسیحیان هر چند در اقلیت به حساب می آیند اما ریشه در تاریخ خاورمیانه باستانی دارند. در این حال اگر به روند رو به کاهش مهاجرت مسیحیان از خاورمیانه عربی توجه داشته باشیم چند عامل عمده در این امر دخیل است:

رویکرد القاعده و بنیادگرایان تندرو به مسیحیان خاور میانه: گذشته از نوع رویکرد القاعده و یا حکومت اسلامی عراق، (که شاخه ای از القاعده در این کشور محسوب می شود) در یک دهه گذشته، القاعده در حقیقت همه مسیحیان را اهداف موجه و مشروع جهاد به حساب می آورد. در این رویکرد گذشته از نوع رفتار دولت های غربی و مسیحی همانند دولتهای ایالات متحده در عراق، خاورمیانه و جهان و همچنین برخورد با القاعده در واقع القاعده مسیحیان خاورمیانه عربی را حامیان جنگ صلیبی غرب علیه اسلام، ستون پنجم غرب در منطقه پنداشته و این گروه را اهدافی آسان برای قدرت نمایی، پاکسازی مذهبی و دینی در منطقه می بیند و با انجام عملیات بر علیه مسیحیان در خاورمیانه به اهدافی همچون قدرت نمایی و کوچاندن مسیحیان از خاورمیانه عربی می اندیشد. گذشته از این نیز در دو سال گذشته علاوه بر چالشها و مشکلات پیشین القاعده با مسیحیان منطقه در واقع رویکرد خنثی یا همگراییانه مسیحیان کشورهای همانند لبنان و سوریه با دولت های و گروه هایی همچون دولت سوریه، دولت لبنان و یا حزب اله (به عنوان مخالفان القاعده) این جریان به انتقام گیری از مسیحیان در شام و سایر کشورهای منطقه دست زده است.

رویکردها گروهها و مسیحیان خاورمیانه عربی: در واقع نوع نگرش و رویکردهای مذهبی و سیاسی مسیحیان خاورمیانه عربی در رخدادها و تحولات دو سال گذشته هم به نوعی باعث افزایش مهاجرت و یا کاهش

مسیحیان در خاورمیانه شده است. چنانچه از يك سو هر چند بسیاری از رهبران مسیحی منطقه خواستار حضور مسیحیان در منطقه هستند، اما برخی از رهبران، رسانه ها و دیاسپورا و لابی های مسیحی در خارج منطقه با نگاه به وضعیت موجود مهاجرت مسیحیان از منطقه را تشویق کرده و برخی نیز از این راهکار به عنوان سپری برای حفظ جامعه مسیحی بهره می برند. در کنار این امر هم باید توجه داشت که نوع واکنش و کنش برخی از گروه ها و رهبران مسیحی نیز در بالا رفتن حملات به مسیحیان و دادن بهانه به گروه های بنیادگرا نقش داشته است. چنانچه به عنوان نمونه در مصر زیر سوال بردن شان آسمانی آیات قرآن توسط برخی از قبطی ها و ساخت فیلم موهن ضد پیامبر اسلام در امریکا (که گفته میشود برخی از قبطی ها در آن نقش داشته اند) جدا از ایجاد نوعی شکاف مسلمان- مسیحی در مصر بهانه های نوینی را به دست بنیادگرایان سلفی تندرو، القاعده و... برای حمله های گوناگون و فشار به مسیحیان قرار داده است.

نوع نگاه رهبران و احزاب اروپایی به مسیحیان منطقه: در سالهای گذشته برخی از مقامات اروپایی از جمله فرانسوی در تشویق مسیحیان منطقه به مهاجرت به فرانسه سخنانی ایراد کرده اند. علاوه بر این نیز برخی از دولت های اروپایی همچون آلمان حمایت از مسیحیان تحت پیگرد را «بخشی از سیاست خارجی» خود دانسته اند. چنانچه اکنون به نظر میرسد برخی از رهبران و احزاب اروپایی در شرایط موجود منطقه خاورمیانه و شکاف های موجود در جوامع اروپایی حاضر به پذیرش مهاجران مسیحی منطقه هستند. چرا که این مسیحیان توانایی جذب بیشتری در جوامع اروپایی را به جای مهاجران دیگر داشته اند. همچنین نوع رویکرد رسانه های و نهادهای مذهبی و سیاسی اروپایی در منطقه هم در توجه و جذب مسیحیان مسیحیان خاورمیانه عربی به مهاجرت از منطقه نقش داشته است.

افزایش تنش ها در منطقه و ناروشن بودن آینده: در واقع گذشته از علایق تاریخی و فرهنگی مسیحیان خاورمیانه عربی با غرب، جنگ، بیکاری و تشنجهای موجود در منطقه نیز در توجه به مهاجرت مسیحیان از منطقه نقش داشته است. در این حال هر چند لبنان در بین کشورهای منطقه همچنان پایگاه مطمئنی برای مسیحیان خاورمیانه عربی است، اما بیشتر کشورهای منطقه نتوانسته اند به اقناع مسیحیان در ماندن در منطقه موفق باشند. در این بین به عنوان نمونه در مصر که از جمعیت حدود 80 میلیون نفری اش هنوز حدود ده درصد هستند پس از قدرت گرفتن اخوان المسلمین و سلفی های و همچنین با تایید قانون اساسی جدید مصر، مقامات قبطی در هراس از ایفای نقش شهروند درجه دوم هستند. چنانچه

این نگاه در کلام رهبران و شخصیت های قبطی مصری مشهود است. چنانچه اشاره رهبر نوین مسیحیان قبطی، اسقف تواضروس مبنی بر اینکه «جنگ بر سر ماهیت قانون اساسی جدید مصر برای مسیحیان تعیین کننده است و معلوم خواهد کرد که ساکنان اولیه این کشور تا چه حد در مصر جدید آسایش خواهند داشت» در همین راستا تفسیر میشود. گذشته از آن نیز سوریه نیز مسیحیان در مرکز بحران قرار دارند. چرا که با وجود نوع رویکرد دولت اسد در نگاه به مسیحیان در دو سال گذشته بسیاری از آنها به دلیل وجود درگیری های داخلی مجبور به ترک کشور شده و یا با توجه به نوع رویکرد گروه های مخالف دولت همچون «جبهه النصره»، «اخوان المسلمین» و ... بسیاری از این اقلیت بنا به دلایلی همچون همگرایی با دولت اسد و حتی خنثی بودن در نگاه به دولت و ... در معرض رفتار وحشیانه، خشونت، نابودی کلیساها و ... قرار داشته اند.

چشم انداز حضور مسیحیان در خاورمیانه عربی:

اگر به رخدادهای دو سال گذشته خاورمیانه عربی نگاه کنیم، از يك سو برخی از رهبران و واعظان مخالف در سوریه سخنان تهدید آمیزی بر ضد مسیحیان (مسیحیان را تکه تکه کرده و به خورد سگان دهید) ایراد کرده و از سویی نیز تهدیدهای رفتاری چون کشتن مسیحیان و ویرانی کلیساها و ... با دلایل مختلف مذهبی و سیاسی در منطقه و کشوری همانند سوریه افزایش یافته است. در این حال هر چند تاکنون لبنان توانسته است تنها پناهگاه امن و مطلوب مسیحیان در خاورمیانه عربی باشد، اما رخدادهای در کشورهای دیگر عربی مسیحیان را به انتخاب گزینه ای همانند مهاجرت از خاورمیانه و یا حداقل مهاجرت به کشورهای دیگر خاورمیانه واداشته است. گذشته از این در برخی دیگر از کشورهای همچون مصر هنوز پتانسیل های افزایش تنش و درگیری میان مسلمانان و مسیحیان قبطی وجود داشته و قبطی ها در يك سال گذشته بیش از هر زمانی نگران آینده نقش خود در مصر بوده اند. در این راستا هر چند پاپ تواضروس دوم، پاپ مسیحی های قبطی های مصر هر نوع ادعایی از سوی برخی در مورد تلاش مسیحیان قبطی مصری جهت برپایی دولت مستقل مسیحی در داخل مصر را رد کرده اما باید گفت در صورت تداوم شکاف ها و افزایش فشار بر جامعه قبطی تلاش هایی برای خودمختاری و حتی تشکیل دولتی مستقل می تواند در کنار گزینه ای همچون مهاجرت از مصر مطرح گردد. علاوه بر این در عراق هم هر چند دولت این کشور تاکید کرده که مسأله ای امنیت مسیحیان برای آنان مهم است اما مسیحیان عراقی در کنار تهدیدات القاعده عراق به مهم ترین گزینه یعنی مهاجرت از عراق می اندیشند.

آنچه مشخص است در دو سال گذشته با پدیدار تر شدن رخدادهای و پیامدهای انقلابی و خیزش های عربی مسیحیان به عنوان یکی از مهمترین بازنده های مذهبی مطرح شده اند. چرا که جدا از پیامدهای

منفی گذار کشورهای عربی از شرایط انقلابی به قدرت رسیدن و افزایش توان مانور نیروهای تندرو و القاعده و یا حتی روی کار آمدن اسلام گرایان اخوانی به معنی کاهش روز افزون شمار مسیحیت در منطقه خاورمیانه عربی تفسیر میشود. در این راستا باید گفت در کنار کاهش زاد و ولد مسیحیان نسبت به جامعه مسلمان در کشورهای عربی و افزایش مهاجرت به غرب و خارج در بین مسیحیان (آنچه را که اتحادیه حقوق بشر مصر «خروج دسته جمعی» توصیف کرده است) باعث خواهد شد که در کوتاه مدت و میان مدت عملاً اقلیت مسیحی خاورمیانه کمتر و کمتر گردد و در صورت تداوم این نگرانی ها در بلند مدت عملاً در بسیاری از کشورهای منطقه اقلیتی به نام مسیحیان وجود نداشته باشد.